



پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

▪ مقاله کاری شماره MBRI9217 / آذر ۱۳۹۲

▪ **مالیات تورمی در ترازوی عدالت**

▪ دکتر محمداسماعیل توسلی<sup>۱</sup> و وهاب قلیچ<sup>۲</sup>

▪ کلمات کلیدی: عدالت، پول، مالیات تورمی، اقتصاد اسلامی.

▪ طبقه‌بندی JEL: P24, E52, D63

---

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.



پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

## پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تهران: میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، روبروی پارکینگ بیهقی، پلاک ۱۰

کدپستی: ۱۵۱۴۹۴۷۱۱۱ صندوق پستی: ۷۹۴۹-۱۵۸۷۵

[www.mbri.ac.ir](http://www.mbri.ac.ir)

▪ دیدگاه و نظرات ارائه شده در این مقاله متعلق به نویسندگان بوده و لزوماً نظر پژوهشکده پولی و

بانکی را منعکس نمی‌کند.

▪ کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده پولی و بانکی می‌باشد، لیکن استفاده از

نتایج این مقاله با ذکر منبع بلامانع است.



## فهرست مطالب

۴	۱- مقدمه .....
۴	۲- چستی عدالت .....
۶	۳- وظایف پول و کارکرد عدالت در آن .....
۸	۴- مالیات تورمی و کاهش ارزش پول .....
۱۰	۵- مالیات تورمی و توزیع ناعادلانه درآمدها .....
۱۱	۶- جبران ضرر ناشی از کاهش ارزش پول .....
۱۴	۷- جمع بندی .....
۱۵	۸- منابع و مأخذ .....



پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

## مالیات تورمی در ترازوی عدالت

تدوین: دکتر محمداسماعیل توسلی<sup>۱</sup>، وهاب قلیچ<sup>۲</sup>

### ۱- مقدمه

برقراری عدالت از جمله اهداف فعالیت‌های دولت به منظور قوام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور می‌باشد. اما گاهی بنا به ضرورت و به جهت رفع و رجوع نیازهای اقتصادی کشور، دولت دست به اقداماتی می‌زند که با موازین عدالت همخوانی چندانی ندارد. این گزارش سعی دارد مالیات تورمی ناشی از پولی کردن کسری بودجه دولت را در ترازوی عدالت گذاشته و آن را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

### ۲- چیستی عدالت

عدالت در لغت به مفهوم مساوات، میانه‌روی، توازن، حد وسط، انصاف است. عدالت در نگاه افلاطون، فضیلتی متعالی است که مابقی فضایل را تنظیم می‌کند. عدالت از نگاه او، جامع همه فضایل است. افلاطون، عدالت را

---

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد پژوهشکده پولی و بانکی و دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.



زمانی اجرا شده می‌داند که هر چیزی سر جای خود نشسته باشد. یعنی یک فرد نظامی را به حکومت نگذارند، یک فرد بازاری به مسند قضاوت ننشیند و هر کسی کار خود را انجام دهد (تفضلی، ۱۳۷۲: ۲۰). در دیدگاه «معلم اول»، ارسطو، عدالت به معنای خاص دو قسم دارد: عدالت توزیعی<sup>۱</sup> و عدالت تعویضی<sup>۲</sup>. عدالت توزیعی به وظایف دولت در قبال مردم اشاره دارد و چگونگی توزیع مشاغل، موقعیتها و اموال و دارائی‌های عمومی را معلوم می‌سازد. عدالت تعویضی به رابطه و نسبت اشیاء با یکدیگر اشاره دارد. در مبادله و تعویض کالاها باید نسبت برابری مراعات شود تا مبادله در مسیر طبیعی خود انجام پذیرد. به عبارتی بایستی یک نوع برابری و همسنگی در ثمن و مئمن مبادلات و معاملات برقرار باشد (نظری، ۱۳۸۳: ۶۹-۶۸).

«مؤسس فلسفه اسلامی» و «معلم ثانی»، فارابی، عدالت را تناسب و هماهنگی یا قراردعی هر چیزی در جای خود، رعایت حدود هر چیزی و پرهیز و دوری از افراط و زیاده‌روی و نقصان می‌داند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۳۰۰). ابن‌مسکویه عدل را قرار گرفتن هر چیزی به جای خودش و رساندن هر ذی‌حقی به حق خودش و حفظ روابط بین موجودات می‌داند (طوسی، ۱۳۶۴: ۴۲). ابن تیمیه یکی از عناوین عدل را عوادالمثل (جبران ضرر) می‌داند. وی در این خصوص می‌گوید: ارزیابی درست از جبران برابر، باید بر اساس مشابه ساختن و مقایسه یک چیز با معادل آن انجام شود. جبران یک چیز با معادل آن عدالت واجب نامیده می‌شود و اگر مقداری بیشتری جبران شود، بهتر است که به آن احسان مستحب گفته می‌شود، اما کاستن از مقدار برابر، ظلم محرم است (ابن تیمیه، ۱۹۶۳: ۵۲۲-۵۲۱). عدالت در نگاه ابن‌خلدون، خصیصه ماهوی نظم الهی در کائنات است. با توجه به آثار و آراء ابن‌خلدون می‌توان شش معنا را برای عدالت متصور شد (اخوان

---

<sup>1</sup>Distributive Justice

<sup>2</sup>Commutative Justice



کاظمی، ۱۳۷۷: ۱۰۰): عدالت به معنای رعایت اعتدال و حد وسط، عدالت به معنای قراردعی هر چیز در جای خود و رعایت استحقاق‌ها، عدالت به معنای تحقق و اجرای سیاست شرعی، عدالت به معنای تقوایپیشگی و ترک گناهان، عدالت به معنای مصلحت عمومی به بهترین نحو ممکن و عدالت به معنای اصلی‌ترین مبنای تأمین عمران و امنیت در جامعه.

همچنین شهید مطهری با اشاره به یکی از دقیق‌ترین تعاریف عدالت که «اعطای کل ذی حق حقه» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷). به معنای رعایت حقوق افراد و اعطای حق هر صاحب حق است، بیان می‌دارند که «مردم دارای یک رشته حقوق واقعی قطع نظر از فرامین شارع مقدس هستند و عدالت یعنی رعایت و حفظ همین حقوق واقعی» (مطهری، ۱۳۶۹: ۴۳-۴۰ و ۶۴-۷۰). از این رو ما نیز این معنا از عدالت را که به سنت مستند است و به مفهوم قرارگیری هر چیزی در جایگاه خود و رسیدن حق به صاحب آن است را ملاک خود در این گزارش قرار می‌دهیم.

در مجموع می‌توان اذعان داشت که هر اقدام و یا سیاستی که موجب خروج از این قاعده کلی شود و دسترسی صاحب حق به حق خودش را با مانع مواجه سازد، مصداق بی‌عدالتی بوده و مستلزم جبران معادل می‌باشد.

### ۳- وظایف پول و کارکرد عدالت در آن

در تعریف پول گفته می‌شود که پول چیزی است که سه وظیفه واسطه مبادله، معیار سنجش و ذخیره ارزش را داشته باشد. برای مبادله و معامله و نیز سنجش ارزش کالا و خدمات نیاز است که یک کالای مورد رغبت همگانی که میزان ارزش آن معلوم باشد تعیین گردد. پول قابلیت ایفای این وظیفه را دارد. از آنجاکه



تغییر مداوم واحدهای سنجش همچون متر، لیتر، کیلوگرم باعث آشفتگی و نابسامانی در استفاده از اشیا خواهد شد، تغییر اندازه پول نیز این آشفتگی را در اقتصاد به وجود خواهد آورد. از این‌روست که حفظ واحد سنجش برای سامان مبادلات و معاملات ضروری به نظر می‌رسد. وظیفه دیگر پول، حفظ ارزش است که بنا به نظر برخی از اقتصاددانان تمام این ارزش در قدرت خرید پول خلاصه می‌شود (توسلی، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

با این تفاسیر، عده‌ای از افراد به هر دلیلی میل ندارند که درآمد خود را سریع خرج کنند. از این‌رو پول در جایگاه وسیله ذخیره ارزش این امکان را فراهم می‌سازد که افراد قدرت خرید خود را تا زمان خرید و مصرف کالا و خدمات به تعویق بیندازند. البته این خاصیت، منحصر به پول نیست و زمین، مسکن، سهام، طلا و جواهرات نیز از این ویژگی برخوردار می‌باشند. مزیت پول در این است که نقدینگی بسیار بالایی داشته و بر دیگر اموال و دارایی‌ها ارجحیت دارد؛ ضمن آنکه این موارد، نمی‌توانند به تنهایی جایگزین پول شوند، چراکه پول از وظایف دیگری برخوردار است که این موارد از ایفای آن وظایف ناتوان می‌باشند.

با توجه به وظایفی که برای پول برشمردیم، هر فردی از جامعه با در اختیار داشتن پول، صاحب حقی می‌باشد. آنچه این حق را در بعد فردی و خصوصی بیشتر جلوه‌گر می‌کند، وظیفه سوم پول یا همان ذخیره ارزش است. بدین دلیل می‌توان اذعان نمود که کارکرد عدالت در صیانت از قدرت خرید و ارزش پول، بیشتر قابلیت تعریف دارد. افرادی که ثروت خود را به شکل پول نگه می‌دارند، افرادی هستند که با اعتماد به اعتباری که دولت به پول بخشیده است، سرمایه خود را در قالب آن ذخیره کرده‌اند و از این‌رو توقع دارند که این ارزش، بدون دلیل و در پی اقدامات نهادی خارجی همچون دولت، کاهش نیابد و وظیفه ذخیره ارزش بودن پول به طور کامل ایفا شود. اجرای عدالت به مفهوم رعایت استحقاق‌ها و رعایت حقوق افراد و عطا



کردن حق هر ذی‌حق به او مستلزم همین معنا می‌باشد که ارزش پول به مرور زمان کاهش نیابد و سرمایه و ثروت افراد خارج از اختیار و عملکرد آنان مستهلک نشود.

## ۴- مالیات تورمی و کاهش ارزش پول

تامین مالی کسری بودجه دولت‌ها با دو روش کلی صورت می‌پذیرد. یک روش کاهش هزینه‌ها و روش دیگر افزایش درآمدها است. کاهش هزینه‌ها به کاهش هزینه‌های جاری و یا عمرانی قابل تقسیم می‌باشد. همچنین افزایش درآمد دولت به ویژه در کشور ما با افزایش صادرات نفتی و غیرنفتی، افزایش مالیات‌ها، فروش طلا و ارز در بازار پول و سرمایه، انتشار اوراق مشارکت و یا استقراض از نظام بانکی قابل تحقق است. با نگاهی به واقعیت‌های اقتصادی درمی‌یابیم که کاهش هزینه‌های جاری و عمرانی برای کشور در حال توسعه‌ای همچون ایران، کمتر قابل تجویز می‌باشد. همچنین به دلیل کمبود ظرفیتهای تولید نفت و محدودیت سهمیه‌ای در بازار اوپک، کم‌کشش بودن کالاهای صادراتی، بازاریابی ناقص، مسائل و چالش‌های مدیریتی، سیاسی و بین‌المللی، عدم کارایی نظام اداری و مالیاتی و مسائلی از این دست مانع افزایش درآمدهای دولتی می‌شود. از این‌رو راحت‌ترین و شاید ساده‌ترین راه تامین کسری بودجه دولت، استقراض از بانک مرکزی می‌باشد که در نهایت به انتشار پول و یا پولی کردن کسر بودجه منجر می‌شود (توسلی، ۱۳۸۳: ۷۵-۱۰۵). افزایش حجم نقدینگی در اقتصاد به نحوی که نامتناسب با رشد تولید ملی حقیقی باشد، به افزایش تورم، کاهش ارزش پول و افت قدرت خرید افراد منتهی می‌شود. از آنجاکه این کاهش به مانند وضع مالیات بر صاحبان پول می‌باشد از این سیاست به «مالیات تورمی» و یا «مالیات پنهان» تعبیر می‌شود.





لازم به ذکر است، غیر از مورد استقراض از بانک مرکزی، سیاست‌ها و رویدادهای دیگری همچون سیاست‌های انبساطی بی‌ضابطه، افزایش تقاضای عمومی، اختلال و کمبود در بازار ارز، تورم وارداتی، سوءمدیریت انتظارات و ایجاد تورم انتظاری، افزایش هزینه‌های تولید همچون سطح دستمزدها، نرخ بهره و قیمت‌های حامل انرژی که منجر به کاهش عرضه عمومی می‌شود، معضلات و نابسامانی‌های ساختاری اقتصاد همچون کارآمدی پایین بخش دولتی و خصوصی، ضعیف بودن زیربنای فنی، اقتصادی و قانونی، بالا بودن میل نهایی به مصرف، گستردگی بخش دلالی غیرضرور، فقدان نیروی کار متخصص، کشش‌ناپذیری عرضه و تحرک‌ناپذیری بخش تولید، همه و همه در به وجود آمدن و یا تشدید تورم و کاهش ارزش پول ملی اثرگذار هستند.

البته بر دولت لازم است که نه تنها خود عامل کاهش ارزش پول باشد، بلکه با توجه به تعهدی که در قانون پولی کشور برای حفظ ارزش پول ملی دارد با سیاست‌های مناسب به مقابله با این نوع کاهش‌های ارزش بپردازد. از آنجا که بحث ما محدود به پولی کردن کسر بودجه است سعی داریم در ادامه تنها به بررسی این عامل متمرکز گردیم.

کاهش ارزش پولی که از ناحیه پولی کردن کسر بودجه حاصل می‌شود، همانند کاهش عیار در مسکوکات فلزی بوده و این عمل مصداق «نقص در مال» است. نقص در مال، اصطلاحی فقهی است که در رابطه با هر مالی مقتضای خاص خودش را دارد. به عنوان مثال، اختلاط شیر با آب به نقص در مال که همان شیر باشد می‌انجامد. به همین ترتیب، پول که مال اعتباری است نقصان خاص خودش را دارد که از طریق عملکرد اعتباردهنده به نحو سیاستگذاری انبساطی پولی بدون پشتوانه تولید ملی، برای پول حاصل می‌گردد. بنابراین می‌توان دولت را مسئول این بخش از کاهش و نقصان ارزش پول دانست (همان).



با نگاهی به اثرات مخرب مالیات تورمی در کاهش ارزش پول و استهلاک ارزش‌های ذخیره شده می‌توان اذعان داشت که اعمال این سیاست به بی‌عدالتی و تضییع حقوق آحاد جامعه منجر خواهد شد. چراکه فردی که دارایی خود را در قالب پول ذخیره نموده است، با رخداد تورم شاهد کاهش قدرت خرید آن می‌شود، بی‌آنکه در این کاهش دخالت و یا تقصیری داشته باشد. به عبارت بهتر، ارزش پول اعتبار شده به قدرت خرید آن است. فرد صاحب پول، مالکیت قدرت خرید آن را در اختیار داشته و به نوعی صاحب حق در استفاده و یا انتقال آن می‌باشد. از این جهت از بین بردن و یا تضعیف این مالکیت بدون اذن مالک، عدم رعایت حقوق و مترادف با بی‌عدالتی می‌باشد.

## ۵- مالیات تورمی و توزیع ناعادلانه درآمدها

تحقیقات نشان داده است که تورم اثرگذاری منفی بر توزیع درآمدها دارد (کتابی، ۱۳۷۱). از این رو می‌توان دیگر اثر مخرب مالیات تورمی بر مقوله عدالت را در حوزه توزیع درآمدها دانست. یکی از ویژگی‌های مشهود مالیات تورمی، عدم تناسب و ناهمگونی در تغییرات قیمت‌ها و درآمدها می‌باشد. بدین نحو که قیمت برخی از کالا و خدمات و درآمد برخی از طبقات اجتماعی، با آهنگی شدیدتر از سایر قیمت‌ها و یا درآمدها افزایش می‌یابد. این عدم تناسب در بالا و پایین شدن قیمت‌ها و درآمدها موجب آن می‌شود که درآمد و ثروت حقیقی برخی از طبقات و گروه‌ها به ضرر طبقات و گروه‌های دیگر بهبود یابد (همان). بدیهی است فشار سنگین این توزیع ناعادلانه بر دوش صاحبان درآمد ثابت و نیمه ثابت همچون کارمندان و کارگران و یا خریداران اوراق مشارکت بیشتر احساس می‌شود. به عبارت دیگر گرچه تورم، ضرر خود را به همه می‌رساند، اما طبقه مرفه جامعه که امکان تبدیل پول به زمین، مسکن، طلا و جواهرات و دارایی‌هایی از این قبیل را



دارند؛ با این انتقال از زیان کاهش قدرت خرید پول تا حدی مصون می‌مانند؛ در حالیکه طبقات پائین درآمدی که پول چندانی برای خرید کالاهای بادوام همچون زمین و مسکن ندارند و غالباً عمده درآمد خود را صرف کالاهای ضروری و مصرفی می‌کنند، بیشتر از تبعات افزایش تورم ضربه می‌پذیرند (قلیچ، ۱۳۸۹: ۱۴۷). از این جهت می‌توان ادعا نمود که سیاست مالیات تورمی به توزیع ناعادلانه درآمدها و افزایش شکاف طبقاتی منتج خواهد شد.

## ۶- جبران ضرر ناشی از کاهش ارزش پول

بانک مرکزی و دولت قانوناً و عرفاً متعهد به حفظ ارزش پول ملی هستند و بایستی در قبال این تعهد، ملزم و پاسخگو نیز باشند. از آنجاکه بر اساس اصول و آموزه‌های اسلامی و سیره عقلا، کاهش سرمایه و ذخیره ارزش افراد جامعه و همچنین برهم زدن معیارهای سنجش مالی و اقتصادی یک جامعه بدون دلیل و مبنا مورد نهی واقع شده است (توسلی، ۱۳۸۳) و نیز از آنجاکه پول وسیله‌ای برای ذخیره ارزش و معیاری برای محاسبه و سنجش امور مالی و اقتصادی مردم جامعه است، می‌توان چنین ادعا نمود که در نظام اسلامی، هیچ نهادی حق ندارد بدون دلیل و مبنا، دست به اقدامی بزند که منجر به کاهش ارزش پول ملی شود. بدیهی است این الزام برای نهادها و قوای سیاستگذار در پرهیز نمودن از اعمال سیاست‌های تورم‌زا و مغایر با اصول عدالت، بیشتر قابل لحاظ می‌باشد.

اما از آنجاکه ناتوانی دولت در تامین مالی فعالیت‌های جاری و عمرانی، باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در سطح معیشت، رفاه و اشتغال مردم و همچنین نیل به اهداف کلان نظام می‌گردد، اگر امکان تامین مالی دولت از راه‌های با هزینه کمتر میسر نباشد، دولت برای آنکه به حال خود رها نشود و به عبارتی خود را ورشکسته



اعلام ننماید، به منظور تامین کسری بودجه خود مجبور به استقراض از بانک مرکزی می‌گردد که البته این امر به معنای عدم الزام جبران ضرر نمی‌باشد.

برای اثبات اینکه دولت اسلامی ملزم به جبران ضرر ناشی از اعمال این سیاست است، دو علت کلی قابل طرح است. اول آنکه حاکم اسلامی بنا به دستور شرع موظف است که عدالت را در حکمرانی خود رعایت نماید. از این رو انجام سیاستی که برهم زننده عدالت توزیعی است مخالف رسالت دولت اسلامی بوده و از این بابت جبران خسارت بر عهده او می‌باشد. دوم آنکه، حکم و سیاست حاکمیت شامل هر چیزی است که در دایره مصلحت نظام اسلامی قرار گیرد، اما زبانی که از پی اجرای آن حکم یا سیاست مستخرج می‌شود، خارج از دایره مصلحت نظام بوده و بایستی این خسارت به نحو مقتضی جبران گردد.

شاید بتوان با ارائه مثالی این مفهوم را بیشتر توضیح داد. اگر مصلحت عمومی حکم نماید که در منطقه‌ای از شهر، خیابانی برای رفاه حال عموم احداث گردد و این امر منوط به تخریب خانه‌های مجاور باشد؛ بنا بر وجود مصلحت بالاتر، تخریب منازل در دستور کار قرار می‌گیرد. اما از آنجا که این تخریب به معنای ایراد ضرر به مالکان منازل می‌باشد، جبران ضرر بر عهده حاکمیت می‌باشد. حضرت امام(ره) در این رابطه می‌فرمایند: حاکم اسلامی می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد نماید (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ۱۷۰)؛ بدین معنا که باید معادل و یا بیشتر از ارزش ملک، به صاحب ملک داده شود تا وی متضرر زبانی نگردد.

در قضیه تامین مالی کسری بودجه دولت توسط استقراض از بانک مرکزی که موجب مالیات تورمی و کاهش ارزش پول می‌شود نیز قضیه تقریباً مشابه همین مثال می‌باشد. این وظیفه حاکمیت است که اولاً تا جایی که امکان دارد از روش‌های جایگزین و کم‌هزینه‌تر تامین مالی کسری بودجه استفاده نماید، ثانیاً استفاده از روش



استقراض از بانک مرکزی به علت اثرات منفی و مخربی که به همراه دارد، صرفاً به نحو موقتی و محدود به شرایط اضطراری بوده و تبدیل به رویه همیشگی نشود و ثالثاً به منظور اجرای عدالت و بر مبنای قواعد فقهی اتلاف و تسبیب، دولت دارای ضمان است و بایستی با اعمال سیاست‌های جبرانی و بازتوزیعی، ضرر تحمیل شده را به نحو مطلوبی جبران کند. البته بدیهی است مثال تخریب خانه‌های مجاور به منظور احداث خیابان، ضرری جزئی به عده‌ای محدود وارد می‌سازد اما زیان تورم به همه افراد جامعه وارد شده و به این سادگی قابل جبران نمی‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان اینگونه بیان داشت که با توجه به ابعاد گسترده ضررهای ناشی از ایجاد تورم، جبران این زیان در سطح کلان به طور کامل، غیرقابل تصور می‌باشد.

در مجموع با رعایت این موارد شاید بتوان آثار زیان‌بار مالیات تورمی که به ناعدالتی‌های اقتصادی می‌انجامد را تا حد و اندازه‌ای و نه به طور کامل کاهش داد، اما از آنجاکه گاهی طرح سوال، ارزشی کمتر از ارائه تحلیل ندارد؛ جا دارد که این پرسش را مطرح نماییم که مابین رشد اقتصادی و عدالت اقتصادی، انتخاب با کدام طرف است؟ آیا در شرایطی که وضعیت اضطراری برای تامین کسری بودجه دولت وجود ندارد، می‌توان به منظور رشد و رونق بیشتر اقتصادی با استفاده از مالیات تورمی، در تحقق عدالت اقتصادی که مایه قوام نظام اجتماعی است، خللی وارد نمود؟ به بیان دیگر، آیا برای پیشرفت و سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، می‌توان تا حدی از عدالت اقتصادی چشم‌پوشی کرد؟ این سوالی است که پاسخ آن می‌تواند رهنمون‌ساز سیاستگذاری عادلانه در نظام اقتصادی باشد.



## ۷- جمع‌بندی

در کشورهای در حال توسعه همچون ما، مخارج دولت عموماً به جهت اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی با افزایش زیادی مواجه می‌باشد. ضعف و نارسایی نظام مالیاتی، ناچیز بودن سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، کم‌کشش بودن کالاهای صادراتی و نقصان بازاریابی جهانی برای آنان و همچنین چالش‌های مدیریتی، سیاسی و بین‌المللی از جمله عواملی است که مانع رشد درآمدهای دولت به میزان لازم می‌شود. این واقعیت موجب آن می‌گردد که این دولت‌ها غالب اوقات خود را مواجه با کسری بودجه ببینند. در این بین استقراض از بانک مرکزی و یا به عبارتی پولی کردن کسر بودجه ساده‌ترین راه جهت حل مشکل تامین مالی دولت است. تحقیقات ثابت نموده است که با افزایش حجم پول بدین طریق، مالیات تورمی بر صاحبان پول تحمیل شده و قدرت خرید آنان تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. همچنین، مالیات تورمی موجب توزیع ناعادلانه درآمد به نفع صاحبان درآمدهای غیرثابت و اغنیاء و به ضرر صاحبان درآمدهای ثابت و فقرا می‌گردد. بنا به تعاریفی که از عدالت اقتصادی ارائه دادیم، می‌توان این کاهش ارزش و قدرت خرید پول را مصداقی از بی‌عدالتی و تزییع حقوق صاحبان پول قلمداد نماییم. از این‌رو بر دولت ضروری است که تا حد امکان از روش‌های دیگری غیر از استقراض از بانک مرکزی برای تامین کسری بودجه خود استفاده نموده و در صورت روآوری به این سیاست، ضرر تحمیل شده به اقشار مختلف جامعه را تا حد امکان جبران نماید.



## ۸- منابع و مآخذ

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۷)، نظریات عدالت در اندیشه سیاسی ابن خلدون، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- تفضلی، فریدون (۱۳۷۲)، تاریخ عقاید اقتصادی، تهران: نشر نی.
- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۸۳)، محدودیت‌ها و مسئولیت‌های دولت اسلامی در پولی کردن کسر بودجه، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴.
- توسلی، محمداسماعیل (۱۳۸۴)، بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت پول، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۹.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی (ره) و شهید صدر، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- طوسی، محمد نصیرالدین (۱۳۶۴)، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۳)، اقتصاد رشد و توسعه، تهران: نشر نی.
- قلیچ، وهاب (۱۳۸۹)، دولت اسلامی و نظام توزیع درآمد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- کتابی، احمد (۱۳۷۱)، تورم، تهران: انتشارات اقبال، چاپ سوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا، چاپ ششم.



پژوهشکده پولی و بانکی  
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

- نظری، حسن آقا (۱۳۸۳)، عدالت اقتصادی از نظر افلاطون و ارسطو و اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی،  
سال چهارم.

- Ibn Taimiyyah, MFS (Majm Fatawa Shaikh al-Islam), Riyad: Matabi, al- Riyad,  
1963, Vol. 29

جهت دریافت اخبار و اطلاعات بیشتر به بخش بانکداری اسلامی در تارنمای پژوهشکده پولی و بانکی به

آدرس ذیل مراجعه نمایید:

<http://www.mbri.ac.ir/islamicbanking>